

نویسنده: میخایل تراسی (Michael Tracey).
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2022-07-03».
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

نشست سران «ناتو»: تمرین تاریخی و پیروزمندانه در جعل یا تقلب سازی رسانه ای

*The NATO Summit: a Historic, Triumphant
Exercise in Media Fakery*



مدخل گیرا یا جذاب به سائن اصلی اجلاس سران نا تو. همه عکس ها توسط MT

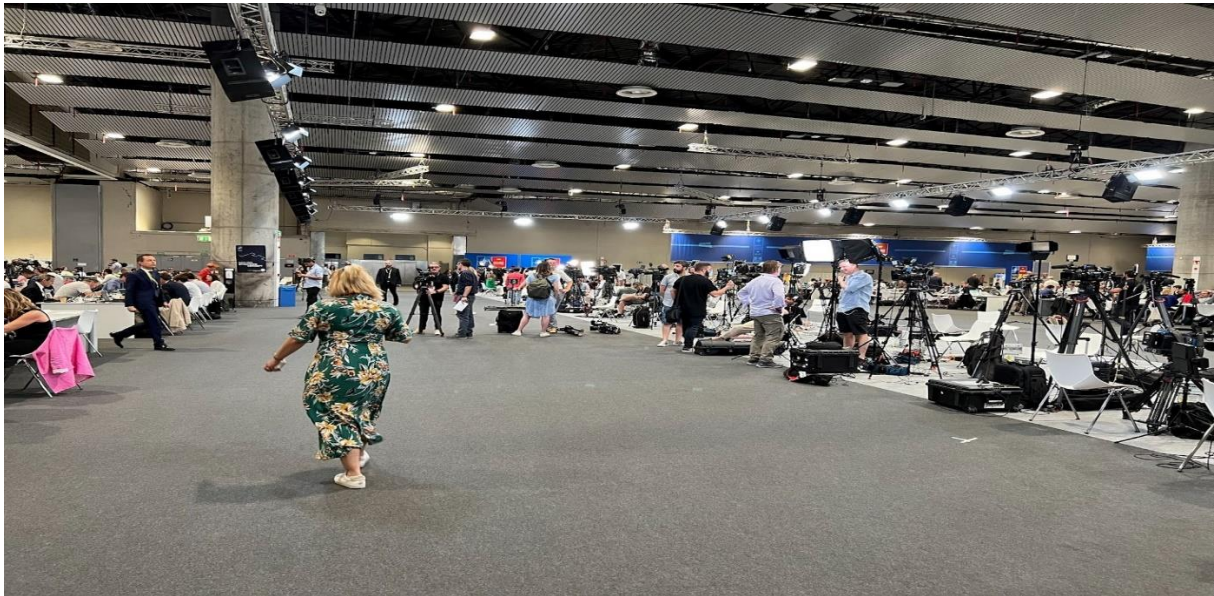
بینید، من توانستم در نشست سران نا تو در **مادرید** این هفته شرکت کنم در مورد آنچه که از این
گردهمایی با شکوه پدید آمد، چیزهای زیادی برای بحث در سطح اساسی وجود دارد - اما برای یک

چیز، و آنهم که خطوط جنگ جهانی بعدی تقریباً رسمی شد. که قابل توجه به نظری می رسد. اما ابتدا، من می خواهم چند مشاهداتم «متا یا آنچه که در عقب پرده واقع شد» را در مورد نحوه عملکرد اجلاس سران در سطح عملی ارائه دهم. زیرا شرکت در نشست سران **نا تو** کاری نیست که اکثر افرادی که این مقاله را می خوانند هرگز انجام نمی دهند و همچنین کاری نیست که اکثر مردم روی کره زمین هرگز انجام خواهند داد. بنا براین برخی از ویژگی‌هایی وجود دارد که برای ثبت باید به آنها توجه کرد.

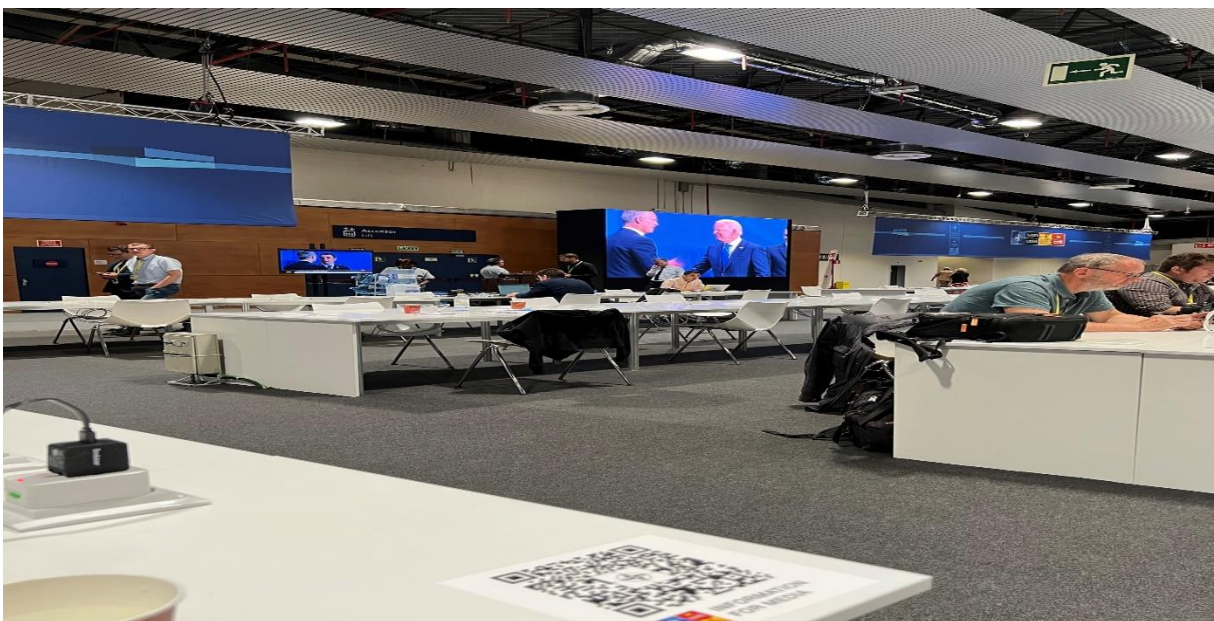
باید اعتراف کنم، از اینکه زمانی که فهمیدم که درخواستم مبنی بر شرکت ام در این جلسه سران **نا تو** مورد اعتماد و تایید آنها قرار گرفت حیرت زده شدم و فکر کردم که درخواست کردن بخاطر شرکت در این گردهمایی فقط تیر خوردن در تاریکی است چونکه تا چند ماه پیش، همانطور که برخی ممکن است به خاطر بیاورند، من از پذیرش در نشست "فوق العاده" **نا تو** که در **بروکسل** در یک اطلاعیه کوتاه برای رسیدگی به موارد احتمالی فوری مربوط به جنگ **اوکراین** تشکیل شده بود، رد شدم و بر اساس این انکار یا مبنی بر عدم پذیرش ام، من نیز از محوطه وزارت دفاع بلژیک اخراج شدم، چیزی که دلیل واضحی برای آن تا هنوز در نزد من وجود ندارد.

اما این کاروبار یا عملکرد اخیر در اجلاس بزرگ سالانه سران پیمان **نا تو** واقع در **مادرید** برای اشتراک کننده گان اجلاس سرگرم کننده بود؛ بنا براین من نیز حدس می زدم از اینکه آنها یعنی مقامات مسول این گردهمایی استدلال کردند که این کار عاقلانه است که به هرکسی که به نظر می رسد واجد شرایط میان و متوسط است اجازه ورود در این همایش بدهند از جمله که برای من اجازه ورود به این اجلاس دادند. یا شاید حد اقل همچو بشکل ظاهری مبنی بر حمایت از «آرمان های والای خود بخاطر حفظ و یا صیانت از ارزش های لیبرالی دموکراتیک» خود؛ دروازه ورودی را بغرض بررسی دقیق از رسانه ها با ز گذاشتند بهر صورت اگر صادقانه بعرض برسانم من هرگز مطمئن نیستم که چه ملاحظاتی در تصمیمگیری مقامات مسول برای اجازه ورود فردی همچو من مجوز دادند که در این اجلاس سهم حضوری داشته باشم از آنجای که شما همین اکنون از دستورالعمل های ایمیلی بدست آورده خود مبنی بر سهمگیری ام در این اجلاس سران **نا تو** منعقد در یک مکتب عالی واقع در شهر مادرید اطلاع کامل دارید.

نکته کلیدی که باید در مورد عدم ثبات نسبی روند یا فرآیند اعتبارنامه دادن همانطور که من به سرعت به آن آگاهی یافتم باید درک کرد و آن این است که حد اقل نیمی یا شاید هم بیشتر از روزنامه نگاران حاضر در این اجلاس مطلقاً نیازی بحضور خویش در آنجا نداشتند و آن به این مفهوم که تا آنجا که من میتوانم بگویم؛ آنها یعنی این روزنامه نگاران هیچ کاری مثمیری در آنجا انجام ندادند؛ پس نیازی به حضور واقعی فیزیکی آنها در سالون کنوانسیون وجود نداشت. بلکه آنها به آسانی میتوانستند وظایف مهم حیاتی روزنامه نگاری را در خانه از عقب کامپیوتر یا از جلو یک صفحه سبز مانیتور کامپیوتر خود انجام دهند. حالانکه صفی از صفوف از روزنامه نگاران تلویزیونی در مرکز رسانه ای بزرگ راه اندازی شده بود و چنین به نظر میرسد که این فرصت را مقامات مسول «**نا تو**» از روی لطف و مهربانی به آنها آماده کرده بود و همچنین طوری به نظر میرسد که تمام این روزنامه نگاران در طول مدت زمان این سه روز اجلاس آنچه که در این همایش بوقوع پیوست؛ شات های ایستاده «عکاسی ایستاده یا سرسری» ساختگی و دور از واقعیت برای دوربین ها بود. لذا فشرده ای از حقایق کلی در مورد تحولات بوقوع پیوسته در اجلاس سران «**نا تو**»؛ همان حقایق کلی بود که هر کس با اتصال و یا با کارگیری از اینترنت میتواند در مدت دو ثانیه حقایق را پیدا و مطالعه کند؛ اما چونکه اتفاقاً این حقایق کلی را که باید رسانه ها از داخل مرکز رسماً بازگویی میکردند ظاهراً چنین تصور می شد که آنها اقتدار از روزنامه نگاری چشمگیری را بکار میگیرند.



داخل مرکز رسانه ای جذاب و فریبنده



هیجان محسوس از ورود جو بایدن

نا تا شا برتراند، « *Natasha Bertrand* » یکی از فداکارترین افسانه نویسان رسانه های آمریکایی روسیه گیت، که در حین اجرای کنسرت خود بطور طبیعی در تحت نظارت سی ان ان (CNN) حضور داشت؛ چیزی جدیدی برای روزنامه نگاران نیست و آن اینکه آنها نمايش یک داستان را بطور سیستماتیک نتوانند سرهم بندی و یا خراب نکنند، و بعد از خراب کردن محتوای داستان؛ با اجرای و یا نمايش مجموعه ای از کنسرت های رسانه ای پرسود پاداش دریافت نکنند – و از سوی هم اساساً میتوان گفت که این صنعت اینگونه کار می کند. اما **نا تا شا** کاملاً این پدیده دیرینه را در میان نسل جوان ستارگان رسانه ای بشکل ویژه ای تجسم می دهد، زیرا می بیند که با افتخار موقف و مقام خود به عنوان یکی از زاج های (زن نوازی) در لست فهرست الوان سی تحت سی « *Forbes 30 under 30* » توییت خود بگونه زنده تبلیغ می کند. چنین به نظر می رسد که برنامه روزانه **برتراند** شامل نشستن مقابل لپ تاپش در کنار میز مخصوص CNN بود، و سپس هر چند وقت یک بار بیدار می شد

تا یک «شات استندآپ = عکسبرداری ایستاده و یا سرسری» زنده برای تلویزیون اجرا کند، که در آن او آنچه را که در حال وقوع است به طور کلی خلاصه می‌کند. آن روز در نشست سران **نا تو**. سپس پشت میز سی‌ان‌ان (CNN) می‌نشیند، لپ‌تاپش را کلک یا نوک می‌زند و در نهایت برای یک «شات آپ شات» بسیار آموزنده دیگر بازمی‌گردد.



ناتاشا برتراند سخت کار می‌کند و توده‌ها را آگاه می‌کند

انصافاً **ناتاشا**، او همچنین در چند کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد. من به یکی از جلساتی که **ینس استولنتبرگ**، دبیر بد بخت کل **نا تو** مدیترت جلسه را دردست داشت، رفته بودم و به طور خاص از یکی از مسئولین **نا تو** در صحنه پرسیدم که آیا این کنفرانس مطبوعاتی آزاد خواهد بود یا خیر – و آن به این معنی که آیا کسی که دستش را بالا ببرد و از نظر تئوری در مورد چیزی پرسد. برای پرسیدن سوال او را مجوز میدهند و یا که او فراخوانده شود؟ گرداننده به من اطمینان داد که بلی، البته مورد دارد.

. اما پس از آن، **ینس پیر (استولنتبرگ)**، همراه با یکی دیگر از مسئولین یا عوامل مطبوعاتی **نا تو** که به طور فیزیکی روی صحنه با او پیوسته، قدم می‌زد، و مطمئناً - قطعاً اینطور نبود که بتوان کسی را در این کنفرانس مطبوعاتی خاص فراخواند. متأسفانه، هرگونه تمرین ارگانیکی توام با آرمان‌های عالی مطبوعات آزاد با بد منتظر روز دیگری باشد یعنی روزنامه‌نگارانی که بخواهند بگونه آزاد موضوعات را پوشش دهند باید که منتظر مجوز به روز دیگر باشند. اما در عوض، عامل همراه **استولنتبرگ** به دفترچه‌ای مجهز شده درست داشته‌اش که حاوی لیستی از پیش‌انتخاب شده‌گان از روزنامه‌نگارانی بود که برای پرسیدن سوال تایید شده بودند و یا که به آنها اجازه پرسیدن سوال داده شده بود. این درست قبل از شروع کنفرانس مطبوعاتی، متوجه شدم که **ناتاشا** توسط دستیار مطبوعاتی اصلی **نا تو** که با او صحبت کرده بودم، به سرعت به داخل اتاق اسکورت می‌شود و او سخاوتمندانه او را به یک مکان اصلی برای نشستن راهنمایی می‌کند. سپس در یک چرخش خیره‌کننده از وقایع، شما باور نخواهید کرد که چه کسی اولین بار برای پرسیدن سوال انتخاب شد: من! شوخی کردم، **ناتاشا برتراند** بود.

ناتاشا قطعاً یک آواتار (کاربر کمپیوتری یادستکار و تجسم ساز) مفید برای آن نوع روزنامه‌نگاری است که احتمالاً در اجلاس سران «**نا تو**» سرشتاً شیفته و دیوانه وار مشاهده می‌شود. و اما شما برای

حضور، باید از موانع متعددی عبور کنید. اولین مورد هزینه است: یا مگر اینکه در یک محلی در اسپانیا با شید، و در غیر آن رسیدن به اجلاس سران فقط هزینه قابل توجهی باید داشت، یعنی برای خرید بلیط هواپیما و مصارف هتل و غیره؛ من همین اکنون که در حال تهیه گذارش خبری هستم با وجودیکه قیمت تکت ها هواپیما بطور عجیب بلند است اما من با آنهم هیچیک خیر قابل نشر را نقض نمیکنم؛ بنابراین روزنامه نگارانی که راهی برای متحمل شدن این هزینه ها را پیدا می کنند، گروهی نسبتاً مرفه خواهند بود یا در نشریاتی کار می کنند که مایل به پرداخت هزینه های نسبتاً سنگین خود هستند. و اگر آنها مایلند که برای سازماندهی چنین سفری از سر سختی برآیند، به احتمال زیاد به این دلیل است که از قبل به **نا تو** احترام می گذارند، و از نظر ایدئولوژیک در مورد آنچه که معتقدند مأموریت شریف **نا تو** است که سرمایه گذاری کرده اند. به نظر می رسد **ناتاشا** در این اردوگاه سقوط می کند.

اما اردوگاه دیگری از روزنامه نگاران نیز وجود دارد - آنهایی که به هر دلیلی برای پوشش خبری نشست **نا تو** مأمور شده اند، و شاید اعتقادات ایدئولوژیک قوی تری به فضایل **نا تو** ندارند، اما کسل کننده و مزاحم و کنجکاو هستند. به اندازه ای که هرگز به ذهنشان خطور نمی کند که در مورد هر چیزی که به **نا تو** مربوط می شود، یک سوال واقعاً تحقیقی بپرسند. صادقانه بگویم شاید من تنها روزنامه نگاری بودم که در آنجا با رویکردی حتی انتقادی خفیف نسبت به فایده اساسی **نا تو** به نشست سران رسیدم یا حداقل، من از هیچ یک چیزی دیگر آگاه نیستم.

بنا بر این سوال بزرگ **ناتاشا برتراند** از **ینس استولتنبرگ** بود، سوالی که او از قبل توسط مقام مسول این همایش انتخاب شده بود تا از همان ابتدا بپرسد [«با سی ان ان» شروع کنید»، دستیار مطبوعاتی **نا تو** روی صحنه با کارگردانی **استولتنبرگ**].

«**برتراند** مؤدبانه پرسید: «آیا می توانید کمی بیشتر درباره جلساتی که در طول روز در مورد جزئیات مدل نیروی جدید که داشتید صحبت کنید، و این شامل مسئله پایگاه دائمی نیز می شود... آیا **نا تو** برنامه ای برای استقرار پایگاه های دائمی در آن کشورها (**فنلاند و سوئد**) در حال حاضر که آنها رسماً به عضویت ائتلاف دعوت شده اند، دارد یا خیر؟»

در اصل، **برتراند** از **استولتنبرگ** می خواست تا در مورد برنامه لجستیکی برای زمان و مکان استقرار **نیروهای نا تو** در **فنلاند و سوئد**، پس از عضویت رسمی، توضیح دهد. به عبارت دیگر، او هیچ مقدمه ای را زیر سوال نمی برد، هیچ تناقضی را به چالش نمی کشید، یا هیچ تناقضی را برجسته نمی کرد. او به سادگی از **استولتنبرگ** برای توضیح بیشتر در مورد چیزی (دعوت رسمی عضویت به فنلاند و سوئد) که اتفاقاً اعلام کرد، ترغیب کرد. این سوال ایده آل برای **استولتنبرگ** است، زیرا مانند این است که یک هم تیمی مفید به شما کمک می کند - به جای اینکه توسط کسی که نقش خود را از راه دور خصماً تصور می کند، مورد بررسی قرار گیرد. با آنجایی که **برتراند** علاقه خود را برای به چالش کشیدن **استولتنبرگ** نشان داده است، به دلیل تمایل ظاهراً ناگهانی او برای تعهد در مورد استقرار نیروهای **نا تو** است. به طور خاص، به نظر می رسد **ناتاشا برتراند** علاقه واقعی به موضوع گسترش پایگاه **نا تو** در سرزمین های شرق دارد:

به اشتراک گذاری

در 23 مارس، پیش از اجلاس فوق العاده سران در مقر **نا تو** در بروکسل، **برتراند** البته به راحتی در فهرست مطبوعاتی از قبل تنظیم شده از پیش انتخاب شده بود و در اینجا چیزی است که او پرسید: "آقا دبیرکل، استونی از **نا تو** خواسته است تا یک نیروی دائمی در منطقه ایجاد کند که قادر به توقف حمله روسیه باشد، اما قانون تاسیس **نا تو** - روسیه از نظر فنی به ائتلاف اجازه ایجاد پایگاه نظامی دائمی در به اصطلاح عضو جدید نمی دهد. ایالت ها. و بنابراین من نمی دانم که آیا شما معتقدید که

زمان آن رسیده است که **قانون تأسیس ناتو-روسیه** را با توجه به تهاجم این کشور به **اوکراین** لغو کنیم؟

پس در «24» ماه مارس، همچنین در **بروکسل**، او واقعاً این موضوع را با این سؤال قاطی کرد: «می‌پرسم، آیا در این جلسه درباره استقرار دائمی نیروها در هر یک از این کشورها ما نند **با لیتیک** و کنار گذاشتن **قانون تأسیس نا تو-روسیه** بحث کردید.؟»

" توجه داشته باشید که در تمام این سوالات، هدف جلب تعهدات **استولتبرگ** در مورد گسترش نیروهای **نا تو** است. این روزنامه نگاری جسورانه و مبتنی بر مسئولیت پذیری است که **برتراند** با بی‌نظیری CNN انجام داد. و ظاهراً همین خط پرشش - به علاوه علاقه پرشور او به موضوع پایگاه دائمی - بود که **برتراند** را بار دیگر برای دسترسی ترجیحی در اجلاس **ما درید** درگیر کرد.

به دنبال آخرین سؤال پیشگامانه **برتراند** در مورد چشم انداز ایجاد پایگاه های بیشتر **نا تو** در **اسکاندیناوی**، دستیار مطبوعاتی **نا تو** روی صحنه، با مطالعه لیست از پیش تأیید شده روزنامه نگاران، یک **زن اوکراینی** را از شبکه «اینترفاکس» احضار کرد تا سؤال بعدی را بپرسد. این روزنامه نگار با تبریک روز تولد **استولتبرگ** آغاز کرد و سپس گفت: از همه همکارانم به خاطر همه کارهایی که برای ما انجام می‌دهید تشکر می‌کنم. همانطور که ممکن است تصور کنید، یک سوال سخت دنبال نشد.

صحبت از افراد **اوکراینی** حاضر در اجلاس سران: در یک نقطه، با یکی از مقامات دولتی **اوکراین** برخوردیم که می‌گفت به نوعی برای سفارت **اوکراین** کار می‌کند، اگرچه درباره اینکه کدام سفارت به طور خاص و عنوان شغلی واقعی او چیست، مبهم بود. از او پرسیدم که آیا می‌توانم یک مصاحبه کوتاه با او انجام دهم و او گفت نه، زیرا ما برای همه مصاحبه‌ها روال خاصی داریم. این بدان معناست که احتمالاً با بد دوازده آدرس ایمیل عمومی مختلف را ایمیل کنم، دوازده ایمیل بعدی را ارسال کنم، و سپس به احتمال زیاد هیچ اتفاقی نمی‌افتد. شاید بتوان فکر کرد که تمام هدف حضور فیزیکی در این اجلاس این بود که امکان برخورد های خودجوش روزنامه نگاری با افراد صاحب قدرت مرتبط را فراهم کرد - بدون نیاز به رد شدن از میان ده ها حلقه های مختلف واسطه. اما ظاهراً این فلسفه ای نبود که مقامات دولتی **اوکراین** حاضر در جلسه به آن پایبند بودند، علیرغم اینکه این مرد خاص در حال قدم زدن در مرکز رسانه بود. دسترسی به رسانه در مرکز رسانه مجاز نیست!



بنس استولتبرگ در حال عملی یا سخنرانی

در مورد **استولتبرگ**، من هرگز نتوانستم از او سوالی بپرسم. او کنفرانس مطبوعاتی را پس از اعلام یک فرمان راهبردی درخشان جدید **نا تو** برگزار می‌کرد، اولین فرمان **ناتو** از سال 2010. البته در این

فرمان، روسیه به عنوان "تهدید مستقیم" برای این ائتلاف محکوم شده است و این چشم انداز وجود دارد که روسیه ممکن است به زودی به یکی از کشورهای عضو **نا تو** حمله کند. اما شاید مهم‌ترین آن این باشد که این سند رسماً **روسیه و چین** را به عنوان اهداف دشمن به هم متصل می‌کند و دولت **چین** را «بدخواهانه» محکوم می‌کند. بر احکام گذشته، **چین** حتی هرگز ذکر نشده بود. همچنین نمایش بزرگی از این واقعیت که برای اولین بار از رهبران ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزلند برای شرکت در اجلاس در سطح "شریک" دعوت شد - نمایشی از عزم تازه یافته **نا تو** برای تاکید خود را در منطقه «هند-اقیانوس آرام» به عنوان وزنه تعادلی در برابر **چین** قرار می‌دهد.

بنابراین سؤالی که من از **استولتبرگ** می‌پرسیدم چیزی شبیه به این بود: «هرگاه از فعالیت‌های **نا تو** انتقاد می‌شود، چه که این انتقاد از سوی **روسیه / چین** یا دیگران، شما سریعاً اصرار می‌کنید که **نا تو** صرفاً یک اتحاد «دفاعی» است. چنانچه در واقع، این یک بار دیگر در فرمان راهبردی جدید تکرار شده است. اما آیا واقعاً دیگر می‌توان گفت که **نا تو** یک «ائتلاف کاملاً دفاعی» است، در حالی که اکنون در حال تبلیغ برای گسترش اختیارات خود در **اقیانوس هند و اقیانوس آرام** است؟ زیرا این از نظر جغرافیایی فاصله زیادی با وظایف اصلی **نا تو** دارد - یعنی **اقیانوس اطلس شمالی**، از این رو نام این سازمان چگونه می‌توان منصفانه نباشد که حداقل بگوییم که **نا تو** اکنون یک اتحاد توسعه طلب است؟ پس آیا می‌دانید، با توجه به اینکه به صراحت از گسترش خود در منطقه ای در آن سوی جهان تبلیغ می‌کنید؟»

ستولتبرگ زیرکانه از دست من فرار کرد، اما من این سوال را از وزیر امور خارجه **کانادا** پرسیدم که در مقاله بعدی به آن خواهم پرداخت - همراه با تعاملاتی که با مقامات مختلف دیگر از **فنلاند**، **لتونی** و جاهای دیگر داشتم. (شریک شوید!) و من توانستم نسخه مختصری از این نکته را در سرویس جهانی **بی بی سی** بیان کنم که به طرز شگفت‌انگیزی از من دعوت کرد تا در مورد اجلاس سران برای پخش پرچمدار آن در صبح پنجشنبه گذشته توضیحاتی ارائه کنم. دلیلی که من این را تا حدودی شگفت‌انگیز دیدم این بود که **بی بی سی** از قبل می‌دانست که هدف «گرفتن» من چه خواهد بود، و بنابراین می‌دانست که «برداشت» من به شدت از قراردادهای رسانه ای معمولی متفاوت خواهد بود. من می‌دانم که آنها این را می‌دانستند، زیرا من قبل از موعد با یک تهیه کننده در مورد آن صحبت کردم! اما با این حال آنها من را می‌خواستند، شاید به دلیل غیر متعارف بودن؟ که تا حدودی هم تعجب آور و جالب خواهد بود.

در روز ختم یا پایانی این گردهمایی، بسیاری از رهبران ملی خود را برای کنفرانس‌های مطبوعاتی بزرگ در پایان اجلاس آماده کردند. نخست برای دور اول کنفرانس مطبوعاتی، من ترجیح دادم شانس خود را در مصاحبه مطبوعاتی با بوریس جانسون بیازمایم، و آن به این دلیل که او شاید روحیه ماجراجویانه ای داشته باشد و با افرادی تماس بگیرد که از قبل بخاطر برآزندگی روزنامه نگاری فیلتر نشده بودند و نادیده گرفتن برگه‌هایی «ورقه های یادداشت شده» که روی چند ردیف اول صندلی‌ها گذاشته شده بود، و به طرز آزار دهنده ای اعلام کرده بودند که آنها «برای لابی بریتانیا رزرو شده‌اند» - گروه نادری از روزنامه نگاران که برای تعقیب جانسون در هر جایی که او می‌رفت دنبال می‌کردند و من دقیقاً به نزدیک او نشستم، یعنی در فاصله عطسه ای از نخست وزیر محترم. هیچ کس متوجه نشد که من قانون صندلی ساختگی را زیر پا گذاشته ام (یعنی آن برگه نوشته شده ریزرف را از جایش بیجا کردم)، بنا بر این من به وضوح **الکساندر "بوریس" دففل جانسون** (Alexander Boris de Pfeffel Johnson) را جسماً از نزدیک مشاهده کردم:



ببینید، بوریس را یا بوریس را از نزدیک مشاهده کنید.

ما با هم آنقدر نزدیک بودیم که حتی چندین بار تماس مستقیم چشمی برقرار کنیم. و با این حال، ظاهراً هیچ شانس در عالم اموات وجود نداشت که بتوانم سؤالی بپرسم، مگر اینکه بلند شوم و شروع به فریاد زدن وحشیانه کنم، که مطمئن نیستم در این شرایط عاقلانه ترین حرکت باشد. چون شانس آورد، نخست‌وزیر با فهرستی مندرج در لست از روزنامه نگاران از پیش انتخاب شده مجهز ویا آماده مصاحبه شد، درست مانند استولتنبرگ. این فهرست شامل برخی از جوان‌هایی بود که به نظر می‌رسید جفت او باشند، مانند هری کول از «The Sun. سندی تایم» در حالی که منتظر آمدن جانسون بودیم، شنیدم که کول در حال پوزخند زدن بود که چگونه **بوریس** شماره تلفن خود را تغییر داده بود - شماره تلفنی که برای چندین دهه، از روزهای قدیم به عنوان روزنامه نگار داشته است - تا دو سال پس از تصدی نخست‌وزیری اش، و به استفاده از آن شماره برای چت کردن به صورت ناامن از طریق واتساپ ادامه داد.

اما این سؤالی است که من می‌پرسیدم توجه داشته باشید، **بوریس** در سخنان آغازین خود کلمه کلیدی «اتحاد صرفاً دفاعی» را به کلمه تکرار کرده بود: «آیا می‌توانید گزارش‌هایی را تأیید کنید که شخصاً از رئیس‌جمهور **زنسکی** درخواست کرده‌اید که او نباید هیچ راه حل دیپلماتیکی را که شامل امتیازات ارضی باشد، بپذیرد، و اگر چنین است، آیا درک شما این است که **دولت بایدن** با شما در این مورد موافق است؟ **ثانیاً**، آیا واقعاً می‌توان گفت که **نا تو** با توجه به تمرکز شدن بر **چین**، که از نظر جغرافیایی بسیار دور از به اصطلاح آتلانتیک شمالی است، «اتحاد کاملاً دفاعی» است؟ زیرا به نظر می‌رسد که این اتحاد بیشتر شبیه یک اتحاد توسعه طلبانه است»

ظاهراً این محتوا برای مادرید خیلی داغ بود.



ردیف‌های متروک صندلی‌های کنفرانس مطبوعاتی که هنوز از نظر اجتماعی در فاصله ایمن قرار دارند

پست بعدی من در این **مینی سریال** [یک درام تلویزیونی که در چند قسمت نمایش داده می‌شود] **نا تو** کنفرانس‌های مطبوعاتی را پوشش می‌دهد که با **جو بایدن** و **با رجب طیب اردوغان** از ترکیه شرکت کرده‌ام - که از دومی به طور غیرمنتظره‌ای توانستم سوالی بپرسم. بعلاوه موارد دیگری را پوشش خواهم داد که بر یکی از نکات اصلی من از کل تجربه تاکید می‌کند: اجلاس سران **نا تو** واقعاً باید قبل از هر چیز به عنوان فرصت‌های شبکه‌ای انحصاری برای "متخصصان امنیت ملی" درک شود، و این مقوله‌ای است که بسیار شامل روزنامه نگاران می‌شود. . این چارچوب را بپذیرید، و بهتر متوجه خواهید شد که چرا پوشش اجلاس سران ما نند پوشش روزنامه‌های شهر زادگاه از تیم فوتبال مدرسه آنها است.

سطر چندی در مورد نویسنده این مقاله :

مایکل تریسی یک ژورنالیست آمریکایی است که در 8 اگوست 1988 متولد شد. قومیت او آمریکایی است. او در حال حاضر در واشنگتن دی سی زندگی می‌کند. او در **وست کالدول، نیوجرسی** بزرگ شد. **مایکل** نسبت به خانواده‌اش به طور استثنایی حالت تدافعی‌ای دارد که چیز زیادی در مورد مردمش کشف نکرده است. او در سال 2006 از دبیرستان **جیمز کالدول** فارغ التحصیل شد. بعداً به **کالج نیوجرسی** رفت و در فوریه 2009 پس از تلاش برای حرکت به سمت آن کولتر دستگیر شد " سوء استفاده از یک دستور تحریک آمیز."

----- **با تقدیم احترامات (2022-07-07)**